Archive of SID

10th International Conference on Language, Literature History and Civilization
CINVU
Avicenna International Community College LLC
September 18, 2023 Tbilisi - Georgia

سبک شناسی لایهٔ بلاغی مثنوی سلسلهٔ الذهب

سمیه رضائی زاده زنگی آبادی[۱] ، دکتر ناصر محسنی نیا[۲]

۱-دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲-استاد بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

جامی شاعر پرکار و خوش قریحه قرن نهم (۸۹۸-۸۱۷ هـ. ق)در مثنوی سلسلهٔ الذهب (سه دفتر و ۶۳۵۵ بیت) -اولین و بزرگ‌ترین مثنوی از مجموعهٔ هفت اورنگ - به کمک آرایه های ادبی چون تشبیه ، استعاره ، مجاز و کنایه تصاویر زیبایی خلق کرده است . مقالهٔ حاضر سعی کرده به این سؤال پاسخ دهد که جامی در این مثنوی به عنوان یک مثنوی حکمی و عرفان نظری تا چه حد از آرایه های ادبی به خصوص تشبیه در دلنشین‌تر کردن موضوع بهره برده‌است؟ یافته های این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی انجام شده با بررسی صور خیال در این مثنوی که مهم‌ترین عناصر سازندهٔ زبان شعر هستند و ابزار تأثیرگذاری در آفرینش تصاویر شعری به شمار می آیند، بیانگر این امر است که جامی در تصویر پردازی های خود با کمک ابزارهای بلاغی ، از عناصر متعددی بهره گرفته و تشبیه (گسترده و فشرده) مهم‌ترین آرایه‌ای است که جامی از آن استفاده کرده است. تعدادی ازاین آرایه های بلاغی در حوزه بیان(تشبیه ، استعاره، مجاز و کنایه) با بیان آماری در این مقاله بررسی شده تا برجستگی نقش تشبیه در این مثنوی بیشتر و بهتر مشخص گردد.

واژگان کلیدی: سلسلهٔ الذهب جامی،تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه

www.SID.ir

Archive of SID

۱-مقدمه

شعر فارسی در دوران شکل گیری و رشد خود چه از لحاظ قالب و چه از نظر محتوا دستخوش تغییر و تحولاتی شده است.در این تحول هم اوضاع تاریخی و اجتماعی دوره های مختلف تأثیر گذار بوده و هم افکار و اندیشه های شخصی و خاص شاعران و سرایندگان. همین عوامل پدیدآورنده سبک های گوناگون شعر فارسی شده است.

«خالقان آثار ادبی به واسطه ابزارهای بلاغی میان آنچه به ذهنشان خطور می کند و مظاهر طبیعی و بیرونی ارتباط برقرار می سازند و از این طریق اندیشه ها و عواطف خویش را برای مخاطبان خود ملموس و مصور جلوه می دهند.این کوشش ذهنی برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت چیزی است که آن را خیال یا تصویر می نامیم.»(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ص ۲)

ایجاد تحول در کلام غیر ادبی و تبدیل آن به سخن مخیل فرایندی است که با کمک ابزارهای بلاغی چون تشبیه، استعاره و ... شکل می گیرد.تصویر که انعکاس اندیشه ها ، عواطف ، احساسات ، باورها ، اعتقادات ، ویژگی های شخصیتی و درونیات شاعر است ، دست مایه انتقال مضامین گوناگون به خواننده است.

شاعران و نویسندگان خوش قریحه آگاهانه یا نا آگاهانه با توجه به ویژگی ها و احوال درونی خویش و در راستای سبک خاصی که در پردازش اطلاعات ادبی خود به کار می برندبا استفاده از ابزار مخیل ساختن کلام برجسته سازی را در آثار خود تصویر می کنند.فرایند تحول کلام ادبی و تبدیل آن به اثر ادبی و مخیل از طریق این شگردها صورت می پذیرد.

مولانا عبدالرحمن بن احمد بن محمد دشتی - متخلص به جامی –(۸۹۸-۸۱۷ هـ. ق) سرخیل دانشمندان و شاعران و ادیبان قرن نهم هجری است و مثنوی سلسلهٔ الذهب عرصه‌ای برای یکه تازی‌های وی در جلوه گر ساختن این علوم و دانش‌ها است. با آن که این مثنوی یک اثر حکمی و عرفانی به حساب می‌آید و جامی بسیاری از مسائل کلامی و حکمی را در آن مطرح می‌کند؛ اما آنجا که سخن از عشق می‌گوید به شاعری با قریحهٔ لطیف جلوه گر می‌شود :

قصه عشق خوش است بسی سخن عشق دلکش است بسی

تا مرا هوش و مستمع را گوش هست ازین قصه کی شود خاموش

هر بن موی صد دهانم باد هر دهان جای صد زبانم باد

هر زبانی به صد زبان گویا تا کنم قصه‌های عشق املا

(دفتر اول، ابیات ۳۱۳۸- ۳۱۴۱)

و آنجا که سخن به مدح می‌گشاید با آن‌که خود می‌گوید:

گوش بر مدحِ مدح گو کم نِه بلکه احث التراب فی وجهه

www.SID.ir

Archive of SID

(دفتر اول ، ب۲۸۳۸)

چنین می‌سراید:

ای به شاهی کشیده سر به سپهر　　خاک پای تو گشته افسر مهر

داد فضل خدایت آن پایه　　که شدی مر خدای را سایه

(دفترسوم ، ۵۴۰۸و ۵۴۰۹)

و از آنجا که در میان اشعارش ابیات عربی می‌آورد و به آیه‌ها و احادیث استناد می‌کند ، تسلطش را به قرآن و زبان عربی به نمایش می‌گذارد:

نکنی فهم این سخن الا　　که بخوانی«فسوف یأتی اللـ

ـهُ بِقوم یُحِبهم و یحبُّـ　　ـونَه » ای حبیب گشته محب

(دفتر دوم ، ب ۵۱۲۹ و ۵۱۳۰)

با آن‌که شعر را نکوهش می‌کند:

چون زمانه سواد شَعر ربود　　خود بگو از سواد شِعر چه سود

شعر لهو است بگسل از وی خو　　لَیت شِعری الی متی تهوی

(دفتر اول، ب۱۲۷۱ و ۱۲۷۲)

اما برای بیان مقاصد والای عرفانی زبانی غیر از زبان شعر را مناسب نمی‌یابد:

شعر چه بود نوای مرغ خرد　　شعر چه بود مثال ملک ابد

(دفتر سوم ، ب ۶۱۵۲)

۱-۱- بیان مسئله

www.SID.ir

Archive of SID

یکی از راههای شناخت سبک ادبی هر دوره بررسی دقیق ویژگی های سبکی و بلاغی شاعران و سرآمدان آن دوره است . به همین دلیل و برای شناخت بهتر سبک ادبی و ویژگی های بلاغی قرن نهم مثنوی سلسلۀ الذهب از دید استفاده از ابزار و عناصر خیال بررسی شده تا شناختی نسبی از این شاعر به دست آید .

صور خیال در شعر شاعران حاصل نوعی تجربه و آگاهی است که شاعر از محیط پیرامون خود به دست می‌آورد . در واقع نمایش حالات درونی و ویژگی های شخصیتی شاعر را می‌توان در تصاویر شعری او جست و جو کرد؛ چون خیال، تصرف ذهنی شاعر در امور مختلف است که از طریق انواع تشبیه، استعاره و ... به دست می‌آید.

زبان ادبی سرشار از تخیل است. در واقع ، هر خیالی با تصاویر شاعرانه نمود می‌یابد و این تصاویر در نزد ادبا عبارتند از: تشبیه ، استعاره، کنایه، مجاز و... که هر یک به تنهایی و یا به همراه دیگر عناصر ، تخیل و تصاویر را ایجاد می کنند و این تصاویر خود ساخته و پرداخته شاعرندو می‌توان گفت:« خط رابط بین خیال شاعر و مخاطب را همین تصاویر می‌سازند . ازین رو ، هر چه تصاویر ساختگی نباشد ، نه تنها در موسیقی و بافت اثر سودمند خواهد شد؛ بلکه در برانگیختن خیال و احساس خواننده و زیبایی شعر ، هم اثر خواهد داشت» (احمدی،۱۳۷۱).

در استفاده از صور خیال که هر سه دفتر مثنوی سلسلۀ الذهب مورد بررسی قرار گرفته است تشبیه بیشترین کاربرد را در بین عناصر بلاغی به خود اختصاص داده است.بعد از آن کنایه بسامد بالایی در میان آرایه های ادبی به کار رفته در این مثنوی را دارد.

۱-۲-پیشینۀ پژوهش

در زمان نوشتن پایان نامه کارشناسی ارشد که به عنوان شرح مشکلات سلسلۀ الذهب در سال ۱۳۸۴ کار شد، به نظر می‌رسید که عناصر خیال مورد استفاده جامی به قدری هست که به عنوان یک مقاله جداگانه بررسی شود و اکنون این فرصت دست داده است. پژوهش هایی در مورد سلسلۀالذهب انجام شده مانند:

- سبک شناسی سلسلۀ الذهب جامی نوشته نفیسه گاموری و حسین آقا حسینی ، در سال ۱۳۹۷
- مقایسه سبک شناسانۀ هفت اورنگ جامی با هفت منظر هاتفی از دیدگاه زیبا شناسی در سال ۱۳۹۱
- مقالۀ بررسی تطبیقی و تحلیلی تشبیهات مخزن الاسرار نظامی و تحفۀ الاحرار جامی در سال ۱۳۸۶
- شرح مشکلات سلسلۀ الذهب جامی از سمیه رضایی و ناصر محسنی نیا (پایان نامه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۴).

اما کاری که منحصراً با موضوع بررسی صور خیال باشد کار نشده است . منبع این مقاله کتاب مثنوی هفت اورنگ و مثنوی سلسلۀ الذهب(در سه دفتر و مجموعاً ۶۳۵۵ بیت) است که به تحقیق و تصحیح جابلقا دادعلیشاه ، اضغر جانفدا زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

روش کار توصیفی و نحوۀ جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه ای است.

۱-۳- سلسلۀ الذهب جامی

www.SID.ir

Archive of SID

سلسلةالذهب اولین و بزرگترین مثنوی جامی در مجموعه هفت اورنگ است. این مثنوی که دارای تقریباً ۶۳۰۰ بیت است در بحر خفیف و به گفته استاد زرین کوب در طرح و نقشه حدیقه سنایی غزنوی سروده شده است .

دفتر اول این مثنوی مفصل در مباحث عالیه عرفانی و اخلاقی و مشتمل بر شرح آیات و احادیث و مقالات بزرگان صوفیه و ائمه شریعت می‌باشد که در آن بسیاری از مسائل کلامی چون قضیهٔ جبر و اختیار و قضا و قدر و نبوت و امامت و قدم و حدوث عالم و هم‌چنین در آداب ظاهری شریعت چون نماز و روزه و قرائت قرآن بحث کرده و نیز بسیاری از مسائل عرفانی را چون بیان ذکر خفی و جلی و عزلت خلوت و صمت و سهر و جوع و امثال آن به شرح آورده و جا به جا به تمثیلات و حکایات آمیخته است(حکمت، ۱۳۲۰).

دفتر دوم که مشتمل بر تحقیق در اقسام مختلف و وجوه گوناگون عشق مجازی و حقیقی و حکایاتی بر سبیل تمثیل از احوال اولیا و عشاق . چنان‌که خود در پایان این دفتر آورده است در سال ۸۹۰ هجری به اتمام رسیده است. این مثنوی در بیان عوالم عشق روحانی و تحقیقی از درس عشق است. طرز و شیوهٔ بیان کتاب بدین منوال است که در هر فصل بحثی از مباحث محبت الهی و عشق معنوی را بیان کرده و در آن نکات لطیف و مباحث دقیق سخن رانده است ، سپس به حکایتی که غالباً از سرگذشت بزرگان اهل عرفان است استشهاد جسته و از آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده کرده است.

دفتر سوم متضمن سیاست مدن و آیین ملک داری و ستایش عدل و داد و نصیحت سلاطین است و به منظومه‌های حکیمانه تقسیم می‌شود که در هریک به یکی از فضایل ستوده که پادشاهان را از آن گریزی نیست اشاره کرده و در هر کدام به مناسبت مقال حکایتی نغز آورده است.

این مثنوی دارای مطالب عمیق عرفانی صوفیانه و مذهبی است . مثنوی سلسلهٔ الذهب از نظر کاربرد صنایع ادبی بسیار درخور توجه است. البته به طور کلی شعر فارسی با انواع صناعات ادبی گره خورده است .در این به بررسی تعدادی از آرایه های ادبی در حوزه بیان (تشبیه ، استعاره ، کنایه و مجاز) و بیان آماری تعدادی از صنایع بدیعی پرداخته می شود.

۲-صور خیال و صنایع بدیعی

در مثنوی سلسلهٔ الذهب جامی تشبیهات و استعارات زیبا و بدیعی به صورت گسترده (تشبیه و استعاره) یا فشرده (اضافه تشبیهی و اضافه استعاری) به کار رفته است و این از توجه زیاد جامی به صور خیال حکایت داردتشبیهات و استعاره های مورد استفاده جامی بر طبق روش پیشینیان است اما کنایات و ترکیباتی بدیعی دارد که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

۲-۱- تشبیه

تشبیه که ادعای همانندی میان دوچیز در ویژگی یا صفتی معنا می شود در دستگاه بلاغی اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد. به یاری تشبیه می توان همه مظاهر و پدیده های طبیعی را عینی و ملموس جلوه داد و عناصر بی جان را به صورت تصاویری زنده و پویا تجسم بخشید . به گواهی بلاغیون تشبیه سنگ بنا مبحث علم بیان و زیر بنای استعاره به شمار می آید. هر تشبیهی

www.SID.ir

Archive of SID

وسعت و زاویه دید خالق آن را به نمایش می گذارد و نشان می دهد که شاعر چگونه توانسته میان اشیا و عناصر به ظاهر بی ارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند (همتیان و غفوری، ۱۳۹۸: ص ۵۴). تشبیه دارای چهار رکن است که عبارت است از : مشبه ، مشبه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه . دو رکن مشبه و مشبه‌به را طرفین تشبیه می گویند. در تشبیهاتی که در مثنوی سلسلهٔ الذهب به کار رفته است در بیشتر مواقع فقط طرفین تشبیه حضور دارند و به ندرت تشبیهاتی به کار رفته که همه ارکان تشبیه حضور داشته باشند.

صنعت تشبیه صنعت مورد علاقه جامی است در مجموع حدود ۲۸۷ تشبیه در مثنوی سلسلهٔ الذهب به کار رفته که از این تعداد ۱۴۲ مورد در دفتر اول ، ۶۵ مورد در دفتر دوم ، ۸۰مورد در دفتر سوم به کار رفته است.با آن‌که بعضی از آنها قبلا در اشعار فارسی به کار رفته است اما مثال های پخته فراوان می توان یافت که آن ها را شاعر با سوهان عقل و ذوق خویش صیقل داده باشد:

زان هراسان که چو افتد به کفش ندهد از تاج خویشتن شرفش

بلکه بر فرق هر گدا ریزد همچو باران که بر گیا ریزد

(دفتر سوم،ب ۵۳۹۴-۵۳۹۱)

ملک کشت است و عدل ابر پر آب ملک دادت خدا به عدل شتاب

(دفتر سوم،ب ۵۲۹۹)

دهنش در خیال فرزانه فرجه ای در کدوی پردانه

(دفتر دوم،ب ۵۲۲۸)

و ابیات ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۱۹، ۶۷، ۶۹، ۷۳، ۳۸، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۵۲، ۱۶۰،۱۵۵، ۱۶۶، ۱۸۷و موارد فراوان دیگر...

۲-۱-۱- اضافهٔ تشبیهی (تشبیه فشرده)

تشبیهی که در آن دو رکن وجه شبه و ادات تشبیه حذف شده و مشبه و مشبه‌به به صورت ترکیب اضافی شکل گرفته است در این ترکیب معمولاً مشبه‌به مضاف است و مشبه مضاف . اضافه تشبیهی در دفتر اول ۱۷۳ بار ، در دفتر دوم ۶۸ بار و در دفتر سوم ۵۷ بار و در مجموع ۲۹۵ بار به کار رفته است.

جامی اضافه های تشبیهی بدیعی را در اشعار خود آورده است:

در ابیات زیر نخل بالاش ، داغ فقر، سنگ غم، قیر شب، مسند ناز، خانه ملک:

www.SID.ir

Archive of SID

نخل بالاش رُمح تیز گداز بر صف صفدران کوه وقار

(دفتر سوم،ب ۵۶۵۱)

گفت عم کو فقیر و دست تهی ست مرد را داغ فقر رو سیهیست

(دفتر دوم،ب ۴۶۵۹)

بست هجرش کمر به کینه تو را سنگ غم زد بر آبگینه تو را

(دفتر دوم،ب ۴۶۷۱)

قیر شب قید پای انجم شد مهر را راه آمدن گم شد

(دفتر دوم، ب ۴۶۷۳)

کرد جاش فراز مسند ناز عشقبازی به وی نهاد آغاز

(دفتر دوم،ب ۴۵۷۰)

عدل ایشان کند به دانش و داد خانه ملک را قوی بنیاد

(دفتر سوم، ب ۵۲۹۷)

۲-۲- تمثیل

در تعریف تمثیل گفته اند : « شاخه ای از تشبیه است » و « آن تشبیه حالی است به حالی از رهگذر کنایه، بدین‌گ.مه که خواسته باشی به معنایی اشارت کنی و الفاظی به کار بری که بر معنایی دلالت دارد اما آن معنا خود مثالی باشد برای مقصودی که داشته ای»(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰). در این نوشته تمثیل به مفهوم وسیع‌تری در نظر گرفته شده است و علاوه بر آنچه که تعریف فوق را شامل می‌شود تعدادی از تشبیهات مرکب که در آن‌ها مشبه و مشبه‌به امور متعددی هستند و بعضی از ارسال المثلهایی که در ساخت آن‌ها نیروی تخیل به کار رفته نیز ذکر شده است.

تمثیل هایی که در سلسلهٔ الذهب به کار رفته گاه یک حکایت ، گه چند بیت و گاه در حد یک مصراع است که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره شده است (به غیر از حکایات تقریباً ۲۱ مورد).

ذکر اگر نیز هست جهر است آن نیست تریاق بلکه زهر است آن

www.SID.ir

Archive of SID

(دفتر اول ، ب ۵۴۴)

این مثل یاد کن که صاحب هش ثبت العرش گفت ثم انقش

(دفتر اول، ب ۸۴۴)

بر هنر هر که عیب بگزیند از میان گهر صدف چیند

(دفتر دوم، ب ۵۲۳۷)

و ابیات ۵۷۳، ۸۲۶، ۸۴۷، ۹۱۷، ۳۳۲۸، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۵۳۰۰، ۱۷۶۴، ۵۵۲۱، ۲۸۲۵، ۵۵۲۸و ... .

۲-۳- استعاره

استعاره که موجزترین ، هنرمندانه ترین و عالی ترین نوع تشبیه به حساب می آید و اهل بلاغت آن را به کار بردن واژه ای به جای واژه دیگر می دانند به علاقه مشابهت و و جود قرینه (شمیسا،۱۳۹۳). تعریف کرده اند، در صحنه کلام ادبی نمایشی خیالی را ترتیب می دهد تا حقیقت را به شکلی تأثیر گذار و زیباتر به خواننده ارائه کند و در واقع با هنر نمایی خود مخاطب را در پذیرش معنای مخیل واقعیتی که پیش تر آن را به صورت یک پدیده عادی و طبیعی شناخته بود قانع کند .در حقیقت تشبیهی است جز رکن مشبه‌به سه رکن دیگر آن حذف شده و مشبه‌به به جای مشبه آمده است . استعاره از صنایعی است که جامی زیاد از آن استفاده کرده است.در مجموع ۸۸ مورد (در دفتر اول ۳۸ مورد، دفتر دوم ۳۳ مورد و دفتر سوم ۱۷ مورد) استعاراتی که بسامد بالایی در آثار پیشینیان دارد. مثلا به جای روی ؛گل ، به جای زلف ؛ سنبل، و به جای دهان ؛ پسته به کار برده است:

گرد لبهاش خط زنگاری طوطی غرقه در شکر خواری

(دفتر دوم، ب ۴۷۱۶)

خط زنگاری استعاره از خط نودمیده چهره استو شکر استعاره از سخنان معشوق است.

داشت در پرده شاهدی نوخیز در ترنم ز پسته شکرریز

(دفتر دوم، ب ۴۶۰۷)

پسته استعاره از دهان و شکر استعاره از سخنان شیرین معشوق

سنبل تر دمیده از دهنش سبزه عنبرین ز یاسمنش

(دفتر دوم، ب ۴۷۱۵)

www.SID.ir

Archive of SID

سنبل تر و سبزه عنبرین استعاره از خط نودمیده چهره و سمن و یاسمن استعاره از صورت است.

لب لعلش گشاد بار دگر قفل مرجان ز حقه گوهر

(دفتر دوم،ب ۳۹۵۴)

قفل مرجان استعاره از لب های روی هم نهاده شده و حقه استعاره از دهان و گوهر استعاره از دندان است.

سنبل خم گرفته تاب زده حلقه بر روی آفتاب زده

(دفتر سوم،ب ۶۲۳۳)

سنبل استعاره از موی و آفتاب استعاره از روی زیبای معشوق است.

۲-۳-۱- اضافهٔ استعاری

اضافه استعاری هم به نسبت بیشتر مورد استفاده جامی قرار گرفته است. در مجموع ۷۸ مورد (۴۸ مورد در دفتر اول ، ۱۱ مورد در دفتر دوم ، ۲۰مورد در دفتر سوم):

(در ابیات زیر گوش جان، گوش سرّ ،پای همت ، دست همت ، دست عشق)

آن خروشی که گوش جان شنود بلکه اهل خرد به آن گرود

(دفتر سوم،ب ۶۳۴۹)

گوش سر از سماع آن معزول گوش سرّ بر سماع آن مجبول

(دفتر سوم، ب ۶۳۵۰)

پای همت کشید از آن خلخال کافسری بایدم گران مثقال

(دفتر سوم،ب ۶۳۴۰)

دست همت زتاج و تخت فشاند عنصری را به پیش تخت نشاند

(دفتر سوم، ب ۶۲۶۸)

خواست تا بر میان به هر تاری بندد از دست عشق زناری

(دفتر سوم،ب ۶۲۳۴)

www.SID.ir

Archive of SID

و ابیات ۱۳۹، ۱۴۶، ۲۰۹، ۲۵۷، ۲۷۲، ۲۸۹، ۳۶۶، ۴۶۴، ۶۲۹، ۷۲۹، ۷۳۶، ۷۴۹، ۹۸۹، ۱۰۱۷، ۱۰۲۶، ۱۵۳۱، ۱۵۳۳، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷و ... .

۲-٤-کنایه

استعمال لفظ است در غیر معنی حقیقی آن با توجه به اینکه ارادهٔ معنی حقیقی لفظ ممکن است. در مجموع ۲۰۶ کنایه در سلسلهٔ الذهب به کار رفته است که از این تعداد، ۱۲۷ مورد در دفتر اول ، ۴۰مورد در دفتر دوم و ۳۹ مورد در دفتر سوم به کار رفته است.

بر خلاف تشبیهات و استعارات مورد استفاده جامی که مواردی از آن‌ها در شعر شاعران قدیم به کار رفته است ، مواردی از کنایات نو و بدیع مورد استفاده جامی قرار گرفته است که بعضی از آنها در فرهنگ ها دیده نشد.

به چند مورد اشاره می شود:

(در ابیات زیر گیاهی زباغ چیدن ، ، تن به بوم و استخوان به زاغ سپردن ، عنان کوته بودن)

نه خیالی ز روی من دیده ست نه گیاهی ز باغ من چیده است

(دفتر دوم،ب ۴۸۴۱)

گیاهی از باغ من چیده است کنایه از اینکه از من نفعی او به او رسیده است.

خواجه در ره به درد و داغ بمرد تن به بوم ، استخوان به زاغ سپرد

(دفتر دوم،ب ۵۰۷۴)

مصراع دوم کنایه از مردن است.

تا زهر بد عنانت کوته نیست یک اعوذت اعوذ بالله نیست

(دفتر اول،ب ۱۶۰۲)

مصراع اول کنایه از انجام دادن بدی است.

و کنایاتی چون باد سنجیدن ، باد پیمودن، طشت رسوایی از بام افتادن ، پنبه از ریش برکندن ، خاک پاشیدن ، آهن سرد کوبیدن، آستین افشاندن ، عنان از دست شدن، چشم بد رسیدن، از خویش رفتن ، عنقا شدن، سبد از آب تهی آوردن، خرمن سوختن، دست کوتاهی و ... .

و ابیات ۵۰، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۶۰، ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۶، ۳۵۴، ۳۶۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۲۷و ...

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۵-مجاز

« استعمال لفظ است در غیر معنی حقیقی آن» (شفیعی کدکنی،۱۳۷۰ : ۷۷)با توجه به اینکه ارادهٔ معنی حقیقی لفظ محال است .

مجاز نیز از آرایه هایی است که جامی به آن توجه داشته است.و در مجوع حدود ۲۵ بار از آن استفاده کرده است. بیشترین موارد در دفتر اول و موارد کمی در دفتر دوم و دفتر سوم استفاده شده است.

ساختی آب دیده را نمک آب پاک شستی ز دیده سرمه خواب

(دفتر دوم، بیت ۳۹۲۹)

آب مجاز از اشک است.

و ابیات ۱۱۹،۵۸، ۲۰۴، ۶۴۶، ۶۶۷، ۷۲۷، ۷۴۵، ۷۵۷، ۸۶۴، ۱۰۹۳، ۱۱۱۵، ۱۲۵۱، ۱۲۶۱، ۱۳۰۱، ۱۵۱۲، ۲۴۴۱و ... .

۳- صنایع بدیعی

۳-۱- جناس

جناس یا تجنیس عبارت است از تشابه دو کلمه در تلفظ با مغایرت در معنی و وجوه مشابهت بین دو کلمه از حیث تلفظ بسیار است و بدین اعتبار جناس دارای تقسیمات عدیده است که عبارتند از جناس تام ، جناس ترکیب ، جناس ناقص ، جناس محرف، مضارع و لاحق ، قلب و خط (رک معالم البلاغه، ذیل جناس)

از صنایع لفظی، جامی به انواع گوناگون جناس که بر رونق سخن بیفزاید دلبستگی خاصی دارد.از مجموع حدود ۹۵ جناس به کار رفته ، ۸۲ مورد در دفتر اول ، ۵ مورد دردفتر دوم و ۸ مورد در دفتر سوم به کار رفته است:

آن یکی چست از زمین بر جست تیغ جست و میان به کین در بست

(دفتر اول،ب ۸۲۹)

چُست و جُست : جناس مضارع

تا ابد مایل هوا و هوس ناکسُ الرأس ماند آن ناکس

(دفتر اول ،ب ۱۰۶۶)

ناکِس و ناکَس: جناس ناقص

تو ز غیبت جنیبتش بستی وز نمیمه تمیمه پیوستی

(دفتر اول، ب ۲۲۵۳)

www.SID.ir

Archive of SID

نمیمه و تمیمه: جناس خط

وان سفالت به سفل سازد جا درک اسفلت کند مأوا

(دفتر اول، ب ۲۲۶۶)

سفالت، سفل و اسفل: جناس ریشه و یا:

یکی از فتحه فتح باب فتوح کرده در منظر مروّح روح

(دفتر اول ، ب ۱۲)

تشخص ویژه جامی در بازی با حروف و کلمات نیز هست و در این اثر ابیات زیادی را می‌توان دید که جامی با بهره‌گیری از انواع جناس به تفنن در این حوزه پرداخته است.

و ابیات ۵۴۵، ۵۸۸، ۶۰۴، ۶۲۰، ۶۵۰، ۶۶۹، ۶۸۵، ۷۳۹، ۷۵۵، ۷۷۷، ۸۰۴، ۸۲۲، ۸۲۹، ۸۶۶، ۸۹۲، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۱۷، ۹۵۵، ۱۰۰۳، ۱۱۰۶، ۱۱۳۶، ۱۱۴۲، ۲۲۵۳، ۲۲۶۶، ۲۵۱۰، ۲۵۸۹، ۲۸۲۶، ۲۹۶۷، ۲۹۷۳، ۳۰۰۷، ۳۱۹۷، ۳۲۱۱و ...

.

۳-۲-ایهام

قدما ایهام را نوعی به گمان افکندن می‌دانند ، شمس قیس رازی در تعریف آن می‌گوید :« نوعی بع گمان افکندن است و این صنعت چنان بود کی [لفظی] ذومعنین به کار دارد یکی قریب و یکی غریب»(قیس رازی، ۱۳۶۰)

همین تعریف مبنای تعاریف امروزی است: « ایهام یعنی سخنور در سخن خود واژه‌ای بیتورد با دو یا چند معنی.»(راستگو، ۱۳۷۹)

در ایهام یکی از معانی آن آشنا و نزدیک است و یک معنای آن دور و نا آشنا. مواردی از ایهام به کار رفته در شعر جامی آورده شده است:

غزل سینه سوز و درد آمیز غزلی صبرکاه و شوق انگیز

بیت بیتش مقام سوز و نیاز در هر مصرعی زعیش فراز

(دفتر اول، ب ۴۷۰۰-۴۷۰۱)

بیت و مصرع ایهام تناسب دارند به معنی خانه و لنگه در

لیک باشد به حکم عقل محال که گلیم سیاه گردد آل

www.SID.ir

Archive of SID

آن خسان کین محال می طلبند زرد رویی آل می طلبند

(دفتر اول،ب ۳۰۴۹-۳۰۴۸)

آل در مصراع آخر به (قرینه زرد رویی) ایهام تناسب به معنی سرخی دارد که در بیت اول به همان معناست.

در قوافیش شرح سینه تنگ بحر او رهنما به کام نهنگ

(دفتر دوم، ب ۴۷۰۴)

بحر به قرینه نهنگ ایهام تناسب دارد .

و ابیات ۱۲۳، ۴۶۹، ۴۲۱۸و ... .

۳-۳- ترکیبات

دیگر از امتیازات مثنوی جامی ترکیبات نو و ترکیب سازی هایی بدیع است که گاه در لغت نامه ها نیامده است.

مثلاً آلگر به معنی رنگرز ،آویزه به معنی آویزان، و... .

(در ابیات زیر زبان به هرزه گشای، دانش کش ، یار دل گسل ، داس عمر درو، نه شرم داری، ره به جا آر و کنار گزین)

دو سفیه زبان به هرزه گشای به تعصب شدند و هرزه درای

(دفتر اول، ب ۱۳۱۶)

شاه گفت ای دلت به دانش خوش وز تو روشن ضمیر دانش کش

(دفتر سوم،ب ۵۶۳۸)

جامی از هر چه هست بگسل بند واندر آن یار دل گسل دل بند

(دفتر دوم،ب ۴۵۰۵)

خم ابرو که خوانیش مه نو شود از ریش داس عمر درو

(دفتر دوم،ب ۴۰۶۳)

توبه کن از گناهکاری خویش شرم دار از نه شرم داری خویش

(دفتر دوم،ب ۴۷۶۴)

www.SID.ir

Archive of SID

دستگیر فتادگان از پای ره به جا آر رفتگان از جای

(دفتر دوم،ب ۴۹۵۰)

گشت از چنگ خود کنار گزین بر گرفت از کنار و زد به زمین

(دفتردوم، ب ۴۹۶۱)

و ترکیباتی بدیع چون دل رنجان ، دودناک نفس، رواج افزای، طبع کوب،غمزه زنان،فضول سیر، هجران سرای ، خرفروشانه، تباه سیر، تُنُک خردان، غم فرسود و... .

و ابیات ۵۸۶۷، ۵۰۸۱،۵۵۳۳، ۵۰۳۳، ۴۹۵۱، ۴۷۶۴، ۲۹۰۸، ۲۸۸۹و ... .

۳-٤-ایجاز

ایجاز در لغت به معنای کوتاه گویی است و در اصطلاح چنان است که لفظ اندک بود و معنی بسیار .

ایجاز هایی مورد استفاده جامی است که گاه مخل معنی است:

هر کجا بخل فخر پی سپر است هر کجا جود عیبها هنر است

(دفتر سوم،ب ۵۸۸۵)

هرکجا بخل باشد فخر و بزرگی از آنجا رخت بر می بندد و هر کجا که سخاوت و بخشندگی باشد عیبهای شخص بخشنده هنر به حساب می آید .

پیش آمد اسیر بهر گشاد خواست زو فدیه تا شود آزاد

(دفتر سوم، ب ۵۸۵۶)

اسیر پیش آن شخص (حاتم) آمد تا حاتم او را آزاد کند اما صاحب اسیر ، برای آزادی او از حاتم فدیه خواست.

گفت هر سو کسان به غمازی چاره خود چگونه می سازی

پرده از پیش چاک زد که چنین شد چو ماهی و ماه دجله نشین

(دفتر دوم، ب ۴۶۲۰-۴۶۲۱)

گفت چاره خود این گونه می سازم و در آب دجله پرید.

www.SID.ir

Archive of SID

خواب او را چو دایه دید گران بست در پشت خادمیش روان

(دفتر دوم،ب ۳۹۱۵)

در را بست و پشت سر او به راه افتاد.

گر به دندان کسی لبش کندی چین در ابروی خود نیفکندی

ور دو صد نیش ، پای کرده دراز نکشیدی به جانب خود باز

(دفتر دوم،ب ۳۹۱۳-۳۹۱۴)

اگر دو صد نیش هم می خورد پای دراز شده خود را جمع نمی کرد.

هر چه اخلاص نیست اکسیرش گر زر ناب کم ز مس گیرش

(دفتر اول،ب ۱۷۳۹)

اگر زر ناب هم باشد ارزشش را کمتر از مس بدان.

گرسنه پا به دامن ادبار پشت بر خلق و روی در دیوار

به که همچون سگان کهدانی بهر لقمه دمی بجنبانی

(دفتر اول،ب ۲۴۳۵-۲۴۳۶)

اگر انسان گرسنه باشد ، بهتر است از آن که ....

ز آدمیزاده چون کسی رنجه است خوک بی نیش و گرگ بی پنجه است

(دفتر سوم، ب ۵۷۳۵)

ظالم همچون خوک بی نیش و گرگ بی پنجه است.

و در آخر می توان گفت که یکی از نقدهایی که می توان بر این مثنوی وارد آورد عیوب قافیه یا قافیه هایی بارد است که از فصاحت کلام او کاسته است:

چون شود کار او موافق گُفت گر دهد پند غیر نیست شگِفت

(دفتر اول ، بیت ۱۲۵۱)

www.SID.ir

Archive of SID

لیک اینها ز عشق نیست شگِفت خود چه گل کان ز باغ او نشکُفت

(دفتر دوم، بیت ۳۸۴۶)

با کسی گفت ازان زمین به شگِفت چه درخت است این به حیرت گُفت

(دفتر دوم ، بیت ۴۹۱۲)

عیب اقوا : اختلاف در حرکت حذو

هر که را دل به عدل شد مایِل طمع از مال خلق گو بگسَل

(دفتر اول ، بیت ۳۲۸)

عیوب غیر ملقبه: اختلاف در حرکت توجیه و اشباع

یا بود مستند به حق زان رو که برآید به صورت من و تو

(دفتر اول ، بیت ۱۴۰۵)

اکفا: اختلاف در حرف روی و یا ابیات ۱۱۷۰، ۲۲۵۲، ۳۴۶۲، ۳۰۵۰.

و نیز گاهی برای درستی قافیه گویی در تنگنایی مانده و کلماتی نامأنوس و بارد به کار برده است:

نیست بر رهروان ستمکاره هیچ دشمن ز نفس اماره

(دفتر اول ، بیت ۷۰۴)

هست در راه فقر مصطفوی مال و جاه تو مانعان قوی

(دفتر اول ، بیت ۶۸۹)

لیک همواره منتظر می بود تا شود وقت امتحان موجود

(دفتر اول ، بیت ۸۱۶)

کاش چون خاست از دلش ناله ناله را رفتمی ز دنباله

(دفتر دوم ، بیت ۴۶۹۵)

www.SID.ir

Archive of SID

آگهی بخش جانِ آگاهان رهنمای فتاده از راهان

(دفتر دوم ، بیت ۵۰۸۱)

وابیات ۳۶۳۷، ۵۷۴۲، ۵۰۷۹ .

آرایه های دیگر تلمیح (۱۵ مورد) و اغراق (۱۰ مورد)، در این مثنوی به کار رفته است. .

سلسلۀ الذهب از نظر صور خیال غنی است ؛اگرچه جامی درصدد بیان مفاهیم والای عرفانی است ومعنی و مفهوم برای او مهم تر از لفظ است اما از توجه به صور خیال هم غافل نمانده است.

٤- نتیجه

شعر از عنصر خیال خالی نیست و شاعر تصویرهایی را که از عالم بیرون گرفته به عالم درون برده و تصویر سازی از اشعار خود را به نحو ماهرانه ای به نمایش گذاشته و آن را ترسیم کرده است . از میان آرایه‌های ادبی جامی به تشبیه (گسترده و فشرده)بیشترین توجه را نشان داده است و سپس کنایه بسامد بالایی در میان صور خیال مورد استفاده جامی داشته است.کاربرد این آرایه های زیبای ادبی بر مخیل نمودن شعر جامی تأثیر بسزایی دارد .جامی دربند صورت نیست و هدف اصلی او انتقال مفاهیم است اما سعی می کند برای جلوه بیشتر این مفاهیم آن ها را در پوششی زیبا از صور خیال ارائه کند.

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست منابع

- احمدی، بابک، ۱۳۸۰.ساختار و تأویل متن، تهران،نشر مرکز.

- جامی ، عبدالرحمن ،۱۳۷۸، مثنوی هفت اورنگ . مقدمه از اعلا خان افصح زاد، تحقیق و تصحیح جابلقا داد علیشاه ، اصغر جانفدا، ظاهر – احراری و حسین احمد تربیت . چاپ اول . تهران،نشر میراث مکتوب .

- حکمت، علی اصغر، ۱۳۲۰، جامی ؛ متضمن تحقیقات در تاریخ احوال و آثار منظوم و منثور. تهران،چاپخانه بانک ملی ایران.

- رازی، شمس الدین محمدبن قیس، ۱۳۶۰، المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح محمد بن عبدالله الوهاب قزوینی ، تهران، کتابفروشی زوار.

- راست‌گو، سیدمحمد، ۱۳۷۹، ایهام در شعر فارسی ، چاپ اول، تهران،انتشارات سروش.

- رجایی ، محمد خلیل(۱۳۷۹) معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع . شیراز، نشر دانشگاه .

- شفیعی کدکنی ، محمدرضا، ۱۳۷۰ ،صور خیال در شعر فارسی. تحقیق انتقادی در تطور ایماژهای شعر پارسی و سیر نظریه بلاغت در اسلام و ایران. چاپ چهارم . تهران، انتشارات آگاه .

- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۲،آشنایی با عروض و قافیه . چاپ نهم. تهران ،انتشارات فردوسی.

- شمیسا ، سیروس ،۱۳۹۳، بیان . چاپ سوم . تهران،انتشارات میترا .

- غیاثی، محمد، ۱۳۶۸، درآمدی بر سبک شناسی ساختاری. تهران، نشر شعله اندیشه.

- گاموری ، نفیسه و آقا حسینی ، حسین،۱۳۹۷، سبک شناسی سلسلهٔ الذهب جامی. فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی.سال دوازدهم. شماره چهارم. صص ۱ تا ۱۹.

- همتیان ، محبوبه و غفوری ، افسانه،۱۳۹۸، تحلیل بلاغی حوزه های تصویری شعر فاضل نظری . نشریه فنون ادبی . شماره ۴. سال یازدهم .

www.SID.ir